



مطیع است که این صفت خود عظمت و رافت کردگاری را حاکی است و نیز سرمشقی به بندگان است که در برابر خدمت مادی و معنوی و اعطاء کمک و معاونت همگنان حق شناس باشند و سپاس گذار، که :

آن که سپاس مخلوق نگفت، سپاس خالق به جا نآورد.<sup>۱</sup>

\*\*\*

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (۱۵۹).

تحقیقاً کسانی که پنهان می دارند آنچه را که فرو فرستادیم از نشانه [های] روشن و رهنمونی، پس از آن که آن را آشکار ساختیم در کتاب برای مردم، این گروه لعنت می کند خدای ایشان را و نیز آنان را به لعنت گیرند لعنت گران.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (۱۶۰).

مگر آنها که بازگشتند و شایسته شدند و آشکار نمودند [آنچه را که پنهان می کردند] پس من نیز، بر این گروه بازگردم و مَن بسیار توبه پذیر مهربان.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ (۱۶۱)

همانا که نگریدند و به حال کفر به مردند این گروه، بر ایشانست لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ﴾ (۱۶۲).

جاودانه اند در آن لعنت، سبک نشود عذاب از آنان، [و نه ایشان را بنگرند به نیکی] او نه مهلت دهند [از عذاب و شکنجه].

۱. من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق - الإمام زين العابدين عليه السلام: يقول الله تبارك وتعالى لعبد من عبده يوم القيامة: أشكرت فلانا؟ فيقول: بل شكرتك يا رب، فيقول: لم تشكرني إذ لم تشكره. - الإمام الرضا عليه السلام: من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عز وجل. - عنه عليه السلام: إن الله عز وجل أمر ... بالشكر له ولوالديه، فمن لم يشكر والديه لم يشكر الله. ميزان الحكمة ج ۲، ص ۱۴۹۳؛ الكافي ج ۲، ص ۹۹ ح ۳۰؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، باب ۳۱، ص ۲۴، ح ۲؛ الخصال، ص ۱۵۶، ح ۱۹۶.

## [بیان موضوع آیات ۱۵۹ و ۱۶۰]

موضوعی که در دو آیه اول مورد توجه است، کتمان نشانه های روشن و هدایت در راه حق است؛ زیرا صفت حقیقت پوشی و مکتوم نگه داشتن برخی واقعیات از غریزه جلب منفعت و دفع ضرر به طبع اولیّه بدون پیروی از فرمان عقل و خرد سرچشمه گرفته و مفاسدی را در جامعه بشری مستلزم است.

گرچه مورد نزول آیه درباره علماء یهود و نصاری است؛ چه علائم و نشانه های ظهور پیامبرخاتم را در کتاب های تورات و انجیل خوانده و می دانستند و متوجه بودند که همه آثار و علائم با مضامین دو کتاب در ظهور حضرتش به نام و نشان و دودمان و زادگاه و سایر ویژگی های دیگر برابر است؛ ولی از آنجائی که خواهش های نفس و حب ریاست و دنیاطلبی دامنگیر شان بود، از بیان این حقایق خودداری و به شدت آن را از توده مردم یهود و نصاری مکتوم و پنهان نموده و حتی اگر مردم بی سواد و عادی در مقام استفتاء برآمده و می گفتند که: نشانه ها و علائم آن حضرت اینک همانها است که قبل از ظهور به ما تذکر داده می شد، در پاسخ با توجیهی غلط مطالب و گفتار را از مسیر خود منحرف ساخته و یا اصولاً برخی را منکر می شدند.

نتیجه این تحریف و انکار و کتمان و سرپوشی این شد که نگذاشتند مردم به فطرت و میثاق خود عمل کنند و به حضرتش بگروند و سرانجام اختلاف و گمراهی و عناد و دشمنی به جائی کشید که در برابر مسلمین صف آرائی کرده، به جنگ و ستیز دست زدند.

## [تفسیر یکتمون ما انزلنا در جوامع روایی]

چنان که پس از رحلت رسول اکرم باز نمونه و مصداقی دیگر از آیه مورد بحث تحقیق یافت و آنها که در جریان غدیر خم حضور داشته و سخن حضرت را درباره وصایت و خلافت علی علیه السلام به وضوح شنیدید و حتی به امیرالمؤمنین تبریک گفته و به ظاهر اظهار شادی و شادمانی کردند، پس از رحلت رسول خدا همه را نادیده گرفته و





از روی کینه و عناد و حبّ جاه و مقام حق را کتمان و پایمال نمودند. و در نتیجه اختلاف میان مسلمین سرزد و رشته اخوّت از هم پاشیده گشت و وحدت اسلام دچار تزلزل و حتّی در مدّتی کوتاه ذراری رسول اکرم یا کشته شدند و یا زندانی و خانه نشین. و خلافت و جانشینی پیامبر را که به فرمان خدا و رسول، حق مسلم و قطعی آنان بود در تیول خود درآوردند و سرانجام تشّت و اختلاف میان فرق مسلمین بالا گرفت، و به جنگ‌ها و خونریزی‌ها کشید. و کشتارهایی عظیم صورت گرفت و این دوگانگی و پراکندگی و حتّی چند مسلکی و چند گروهی ادامه یافت، تا به آنجا که هم اکنون پیدا است.

بدیهی است بر اثر این کتمان و پنهان ساختن فرمان خدا و رسول درباره حجّت حق و ولایت و خلافت علی علیه السلام پس از رسول خدا یا با تعبیر و تفسیری ناحق و ناروا کلمه «مولا» را از معنی اصلی «اولی» به تصرّف به «پسر عم و دوست» انصراف دادن، چه انحراف علمی و عملی که پیش آمد، و چه مفاسد و جنایاتی که جامعه بشری را فرا گرفت، که همه این امور ناشی از انکار حق و کتمان امر خدا است؛ به خاطر دوستی دنیا و حبّ جاه و جهل و ستم و تعصّب بی جا.

لذا بازگوئی و بیان هر امر حقّ و عدم کتمان و پنهانی آن برای جامعه و فرد وظیفه‌ای قطعی است که تا روز قیامت برابر مقررات الهی باید رعایت شده و مورد توجّه و عمل قرار گیرد. و در عین حال که متابعت آن بندگی خدا است، خود موجب کسب سعادت در دنیا و آخرت است، چه این ابراز حق، درباره دوست باشد یا بیگانه، و حتّی نسبت به خویشان و نزدیکان از پدر و مادر و همسر و فرزند و سایر بستگان، باید برابر دستورات دین حق را آشکارا گفت و آن را پوشیده نداشت، ولو این که با نابودی مال و یا قصاص تن توأم شود، که رعایت حدود و قوانین و احکام الهی پیوسته محترم و لازم است. باری برای آگهی به فرجام این گونه افراد که چگونه مورد طرد خدا و نفرین لعنت گراند. فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى﴾ (۱۵۹).

به درستی کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که فرو فرستادیم از دلایل روشن و

رهنمونی‌ها] درباره رسالت آخرین رسول و اوصیاء آن حضرت]:

### ﴿من بعد ما بیّناه للناس فی الكتاب﴾ .

پس از آن که آن را بیان کردیم برای مردم در کتاب .

چه علائم و نشانه‌های پیامبرخاتم در تورات و انجیل برای یهود و نصاری و چه مصادیق دیگری تا قیامت، چون: جریان غدیرخیم و نصب امامت و جانشینی علی علیه السلام پس از رسول بزرگوار و اشاره و بیان همین معنا در کتاب آسمانی [قرآن] وسیله آیه ابلاغ و اکمال دین، در سوره «مائده» برای مسلمانان .



### [بیان حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه]

چنان که امام باقر علیه السلام از نظر نمونه و مصداق در ذیل همین آیه فرمود: به خدای مددکار، ما اهل بیتیم که کتمان حقوقمان کردند و ولایت ما را پوشیده داشتند و سفارشاتى که از نبی اکرم نسبت به مقام ولایت ما شد پنهان نمودند و لذا خداوند هم درباره‌شان این گونه سزاواردید که فرمود:

﴿أولئك یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون﴾ (۱۵۹) .

این گروه خدای ایشان را طرد و لعن کرد [و از رحمت خود دور ساخت] و لعنت گران نیز ایشان را به نفرین و لعنت گیرند .

چه تا دامنه قیامت هر جنایت و فسادى که در جهان رخ دهد و هر اختلاف و نزاعى که پیش آید، عامل و سبب اصلی ایشان بودند .

سپس از آنجائى که خداوند کمال رأفت و مهربانى را به بندگان دارد ضمن بیدار باشى که فرجام سوء را تذکر مى دهد، در عین حال راه را باز گذارده تا مگر به خود آیند و هرکس در هر زمان و در هر مقام بیندیشد و حق را مکتوم و پوشیده ندارد و از زوال

۱ . عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله علیه السلام قال : قلت له أخبرني عن قول الله : ( ان الذين یکتون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بیناه للناس فی الكتاب ) قال : نحن یعنی بها والله المستعان ، ان الرجل منا إذا صارت إليه لم یکن له أو لم یسعه الا ان ینین للناس من ینکون بعده .

- : عن حمزان ، عن أبی جعفر علیه السلام فی قول الله : ( ان الذين یکتون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بیناه للناس فی الكتاب ) . یعنی بذلک نحن ، والله المستعان . تفسیر العیاشی ، ج ۱ ، صص ۷۱ - ۷۲ ، ح ۱۳۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۲ ، ص ۷۶ ، ح ۵۴ .



موقعیت و جاه خود نهراسد ولدت و نعم دنیا را کوچک شمارد و حقایق و واقعیات را بازگو کند، تا نگذارد مردمان در ضلالت و گمراهی به سر برند و از راه راست و درست منحرف شوند، حق را بگوید و جنایت تاریخ را برملا کند و خود در پذیرش آن پیشتاز و پیشگام باشد، تا دیگران هم به او به پیوندند و همگان در تحت پرچم توحید و مکتب و مرام واحد قرار گیرند و لذا از این لعن دائم و نفرین ابد مستثنی کرد و فرمود:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا﴾ (۱۶۰).

مگر آنها که توبه کردند و بازگشتند [از روش کتمان حق و سرپوش نهادن به حقایق تاریخی و واقعیات کتب آسمانی و دستورات الهی] و شایسته شدند. و خویشان اصلاح کردند [و به نیکی گزیدند] و آشکار کردند. آنچه را که مورد کتمانشان بود، که من جمله در مورد نشانه ها و علائمی که پروردگار در کتب تورات و انجیل نسبت به شخص نبی اکرم بیان فرموده بود، که در این صورت:

### [در بیان رحمت واسعة الهی]

#### ﴿فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ﴾ .

پس بر این گروه برگردم و توبه پذیرم. که این سخن خود حاکی از رحمانیت گسترده او است و هم باز شدن دریچه امید بنده به سوی خدا با سابقه هرگونه فساد و گناه و آن گاه تأکید فرمود:

#### ﴿وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ .

و منم بسیار توبه پذیر مهربان؛ تا اگر بنده را از روی غفلت، تکراری در معصیت حاصل شد از رحمت او مأیوس نگردد و قطع امید نکند، و تا حین مرگ به کرم و جود خداوند چشم بدوزد، و در عین حال به صورت قاطع و حتم مصمم شود که به خلاف فرمان و دستورش عمل نکند.

پیدا است با این تذکر و با گشایش باب توبه که حاکی از رحمت کردگار برای مردم ستم پیشه، تبه کار است؛ چه بسا گروه های زیادی در طول زمان که خویشان را از شدت گناه مأیوس و شایسته مغفرت و آمرزش ندیده و ندانند از مسیر انحراف و کتمان

حق بازگشته و به طریق حق درآمد و درآیند.

### [معاندان و سرنوشت شوم آنان]

باری ، پس از این که عقلاً و نقلاً رسالت نبی اکرم با دلائل و براهین روشن و نشانه‌ها و علائم واضح ثابت و مسلم گشت و بر همگان اتمام حجّت صورت گرفت و حتّی باب توبه به سویشان باز و مهلت باز گشت به جانب خدا و رسولش داده شد و دیگر هیچ عذر و بهانه ای باقی نماند، باز به عنوان بیدار باش مجدّد همراه با تهدید تا مگر به خود آیند و برگردند و بدانند که فرجام کار و معاند و منکر حق سخت است و سرنوشت شومی خواهد داشت، یادآور شد که:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ﴾ (۱۶۱).

همانا کسانی که نگریدند و به حالت کفر بمردند.

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ .

این گروه برایشانست طرد و دوری از رحمت خدا و نفرین فرشتگان و مردم همگی .  
و اگر پرسند تا کی و تا چه مدّت؟ فرمود:

﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (۱۶۲).

جاودانند در آن لعنت . که عبارت است از آتش خشم و غضب الهی ، چه خمیره و سرشت به صورت کفر و عناد درآمد و دیگر دَرِبرگشت به سوی حق مسدود است و مختوم ، به نحوی که اگر او را از عذاب برهانند و آزادش کنند و به فرض محال به دنیا باز آورند، به کار بندد هم آنچه را که قبلاً بکار می بست و به حال کفر و ستم باشد چنان که می بود و لذا:

﴿لَا يَخْفَىٰ عَنْهُمُ الْعَذَابُ﴾ .

عذاب و شکنجه از ایشان تخفیف نیابد . کم نگردد و سبک نشود [زیرا] که با دیده بغض و دشمنی به خدا و دوستان خدا می نگرند .

﴿وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ﴾ .

و ایشان را توجّه نکنند . و به نظر رافت و رحمت ننگرند که نه شایسته عطوفت





باشند و نه سزاوار فضل وجود یا مهلتی ندهند تا از شکنجه دمی بیاسایند و اندکی سکون و آرامش گیرند و حتی فرصتی نیست که در مقام عذر و پوزش برآیند، که کفر به خدا و دشمنی با برگزیدگان او چنین سرنوشتی را بسزا است.

\*\*\*

﴿وَالْهَكْمَ إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (۱۶۳).

و خدای شما خدائی است یکتا، نیست خدائی جز او که بخشنده و مهربانست.

﴿إِن فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبِثَابِهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (۱۶۴).

همانا در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی که می رود در دریا به آنچه سود بخشد مردمان را و آنچه خدا از آب فرو می فرستد از آسمان تا زنده کند زمین را به آن پس از مرگش و بپراکند در آن زمین از هر جنبه ای و در گردانیدن بادهای و ابرام شده میان آسمان و زمین هر آینه نشانه ها است برای مردمی که خرد می ورزند.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يُرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (۱۶۵).

و از مردمان کسی است که جز خدا همانند هائی [انبازانى] برگیرد، دوست می دارند آنها را چون دوستی خدا، ولی کسانی که ایمان آورند دوستی شان به خدا بیشتر و سخت تر است [تا دوستی بت پرستان نسبت به بتان] و اگر ببینند [و بدانند] آنها که ستم کردند وقتی که شکنجه را می نگرند، که نیروها همگی ویژه خدا است و این که خدا سخت شکنجه است [هر آینه به شدت پشیمان می شوند].

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ (۱۶۶).

و یاد کن آن گاه که بی زاری جویند کسانی که پیشرو [فرمانده] شدند از کسانی که پیروی کردند و بنگرند شکنجه را و پیوندها و وسیله ها از آنان بگسلند و گسسته کردند.